

کانت

«راهنمایی برای خواندن کتاب نقد عقل محض»

محمد رضا واعظ

مرداد ۹۸

خانه حکمت اصفهان

آغاز

فلسفه و تاریخ فلسفه یکی هستند. شما نمی‌توانید به یکی از این دو فارغ از دیگری بپردازید. بنابراین، اگر کسی می‌خواهد فهم کافی از مسائل، پرسش‌ها و موضوعات معین در زمینه فلسفه داشته باشد، ضروری است که پیشینه آن‌ها را بداند. (تیلور ۱۹۸۴، ص. ۱۷)

منابع

منابع اصلی:

Kant, Immanuel. 2004. *Metaphysical Foundations of Natural Science*. Translated and Edited by Friedman, Michael. Cambridge University Press.

Friedman, Michael. 1998. *Kant and the Exact Sciences*. Harvard University Press.

ایمانوئل کانت، نقد عقل محض، ترجمه بهروز نظری، انتشارات ققنوس، زمستان ۱۳۹۴.
فریدمن، مایکل، ۱۳۹۴. کانت و فلسفه علم، ترجمه سعید جعفری، انتشارات نیلوفر.

منابع مرتبط:

Kant, Immanuel. 1998/1787. *Critique of pure reason*, 2d ed., tr. Paul Guyer and Allen W. Wood. New York: Cambridge University Press.

Hanna, Robert, 2006. *Kant, Science, and Human Nature*. Oxford University Press.

بخش‌های مورد نظر برای مطالعه از نقد عقل محض

❖ ایمانوئل کانت، نقد عقل محض، ترجمه بهروز نظری، انتشارات ققنوس، زمستان ۱۳۹۴.

1. پیشگفتار (ویراست دوم) صص. ۴۳-۶۶
2. مقدمه (ویراست اول) صص. ۶۷-۷۸
3. مقدمه (ویراست دوم) صص. ۷۹-۱۰۰
4. آموزه استعلایی عناصر: بخش اول: حسیات استعلایی (ویراست دوم) صص. ۱۲۰-۱۴۶
5. بخش دوم: منطق استعلایی: ۱۴۷-۲۲۸



مقدمه

- ۱۷۲۴-۱۸۰۴ کونیگسبرگ (پروس شرقی)
- اولین فیلسوف عصر جدید که در دانشگاه تدریس کرد.
- پایه‌آوازه پایدار کانت بعد از ۵۷ سالگی.

مشغولیت کانت با علم زمانش

- فیزیک نیوتنی؛
- ملاحظه‌ای فلسفی و بنیادین درباره فیزیک نیوتنی در اولین کتاب منتشر شده از وی:
Thoughts on the True Estimation of Living Forces (1747)
- (در این کتاب کانت به عنوان یک دوآلیست متافیزیکی، درباره مسئله ذهن-بدن بحث کرده است در مخالفت با فیلسوفان عقل‌گرایی همچون ولف و پسالایبنیتس‌ها).
- تلاش کانت برای تعریف مجدد ماهیت و روش متافیزیک در پرتو آخرین پیشرفت‌های
نفس‌گیر ریاضیات و فیزیک در سرتاسر دوره پیشانتقادی؛
- انقلابی متافیزیکی در دوره انتقادی (۱۷۸۱-۱۷۹۰) با دنبال کردن نمونه‌های ریاضی و
فیزیک نیوتنی؛
- نقد عقل محض، ۱۷۸۱، ۱۷۸۷
- تمهیدات ۱۷۸۳
- نقد عقل عملی ۱۷۸۸
- نقد قوه حکم ۱۷۹۰
- مبادی بنیادی مابعدالطبیعه اخلاق ۱۷۸۵

مشغولیت کانت با علم زمانش

■ طرح این پرسش مهم که "چگونه متافیزیک امکان پذیر است؟" با واکاوی این دو پرسش در کتاب تمهیدات (۱۷۸۳):

– چگونه ریاضیات محض امکان پذیر است؟

– چگونه علوم طبیعی محض امکان پذیر است؟

■ تقریر کتاب *مبانی متافیزیکی علم طبیعی* در سال ۱۷۸۶ در اوج دوره نقادانه؛

■ ملاحظه نهایی مبانی فلسفی علوم در کارهای انتشارنایافته پس از مرگش در دوره پسانتقادی (۱۷۹۶-۱۸۰۳): *Opus postumum*

• در این دوره کانت با نیت کامل کردن فلسفه‌اش به دنبال گذار از مبانی متافیزیکی علم طبیعی به فیزیک است.

روش‌شناسی علمی نیوتن

■ فیزیک نیوتن نه تنها در ساحت علم فیزیک یک تحول بنیادی به وجود آورد، بلکه روش‌شناسی مورد استفاده نیوتن نیز بعدها الگوی غالب پژوهشگران علوم تجربی قرار گرفت.

■ نکته محوری در روش‌شناسی "نیوتن"، عبارت است از تأکید بر آزمایش و استقراء و نیز محدود ساختن دامنه علم به ساحت پدیداری.

روش‌شناسی علمی غالب تا پیش از نیوتن

- در روزگار نیوتن روش‌شناسی غالب نظرورزی (**speculation**) محض بود، روش‌شناسی‌ای که به **روش صندلی راحتی** موسوم است.
- مطابق این روش، **جهان واجد یک ساختار عقلانی و ضروری است**، به طوری که اصول این ساختار را نهایتاً می‌توان **در ریاضیات و فراتر از آن، در اصول اولیه یا بدیهیات** یافت. بر این اساس، در کشف عالم، حاجت‌چندانی به آزمایش و تجربه نیست و اگر هم بدان حاجتی باشد، صرفاً امری است فرعی و ثانوی.
- مطابق این روش، متفکر می‌تواند بر روی صندلی راحتی نشسته و با تأمل صرف به کشف حقایق مربوط به عالم نائل گردد. اما در مقابل، مطابق روش‌شناسی مطلوب نیوتن، هنگامی که یک قضیه یا گزاره اثبات می‌شود، مورد آزمون قرار گرفته و درستی آن توسط آزمایش تأیید می‌شود.

دلیل کامیابی نیوتن در ارتقای جایگاه استقراء نسبت به دیگران

■ هرچند از قرن شانزدهم دانشمندان و متفکران فراوانی از **کارآمدی استقراء** دفاع کرده بودند، اما باید گفت که **نیوتن** بود که استقراء را به جایگاه فعلی آن در نزد دانشمندان علوم تجربی ارتقاء داد. دلیل این موضوع آن است که کامیابی و موفقیت نیوتن با هیچ یک از مدافعان استقراء قابل مقایسه نیست. به بیان دیگر، **نیوتن در عمل دعوی خود را به بهترین شکل اثبات کرد**. وی بیش از همه در کتاب معروف خود، **مبادی ریاضی فلسفه طبیعی** به تبیین مختصر روش شناسی نو و خلاقانه خویش پرداخته است.

■ کتاب مذکور در اصل در باب قوانین حرکت و همچنین نورشناسی است.

نسبت نیوتن و ریاضیات

■ نیوتن برخلاف تصور غالب، ساختار عالم را ریاضی نمی‌دید. درحالی‌که گالیله به شدت از این ایده دفاع می‌کرد که عالم را فقط می‌توان از طریق ریاضیات شناخت، نیوتن چندان میلی به قبول این اصل نداشت. به بیان دیگر، درحالی‌که، **گالیله در کنار دکارت** ابزار اصلی شناخت عالم را ریاضیات می‌دانست، نیوتن بیشتر با فلاسفه و دانشمندان تجربه‌گرای جهان انگلیسی زبان، نظیر گیلبرت و هاروی و بویل همدلی داشت. این امر از تمایلات تجربه‌گرایانهٔ پررنگ نیوتن حکایت دارد.

■ نیوتن در کتاب مبادی خود تصریح می‌کند که نباید در تأکید بر اهمیت ریاضیات طریق افراط را پیمود. به باور نیوتن پژوهش پیشینی و ریاضیاتی صرف چیزی محصل دربارهٔ جهان به ما عرضه نمی‌دارد، بلکه ضروری است که ما حاصل چنان پژوهشی را در محک آزمون تجربی قرار دهیم تا آنکه با اثبات صحت و درستی نظورری خود، قوانینی را در باب طبیعت بر سازیم.

■ بنابراین، "استعمال ریاضیات ضرورت دارد، با این حال به تنهایی تضمین‌کننده معرفت علمی از عالم نیست."

نقل قول از نیوتن

■ "آنچه که در **متافیزیک** مورد تأمل قرار می‌گیرد، اگر از **وحی الهی** نشأت بگیرد، عبارت‌است از **دین**؛ اگر از **پدیده‌های** حاصل از حواس پنجگانه فراهم آید، در قلمرو **فیزیک** [یا فلسفه طبیعی] قرار می‌گیرد. در همه شاخه‌های فلسفه ما باید از **پدیدارها** شروع کنیم و **هیچ اصل** [پیشینی]، **تبیین** یا **علتی** را نپذیریم، جز آنهایی را که از طریق همان **پدیدارها** اثبات شود."

کانت و نیوتن

■ "ایمانوئل کانت" به دلیل کارآمدی خیره‌کننده فیزیک نیوتنی:

✓ از یک سو تلاش کرد، مبانی نظری فیزیک نیوتنی را تحکیم بخشد تا در مقابل نقدهای منتقدان مصون بماند.

✓ و از سوی دیگر، ایده محدود ساختن پژوهش علمی به ساحت پدیداری را در قالب اصل محدود بودن دامنه شناخت آدمی به ساحت پدیدارها عرضه داشت.

طرح تردیدهای جدی درباره ماهیت فلسفه توسط هیوم:

یک فیلسوف ابتدا باید از خود بپرسد کاری که من
می‌خواهم انجام دهم **علی اصول** شدنی است؟!!

تقسیم بندی قضایا تا پیش از کانت توسط هیوم و لایبنیتس

1. قضایای عقلی (تحلیلی): بنابر تعریف همواره صادق:

مربع چهار ضلع دارد؛ هر متأهلی ازدواج کرده است.

✓ این قضایا به طور پیشین و مستقل از تجربه ضرورتاً صادق‌اند.

1. قضایای امکانی: ممکن است صادق باشند و یا کاذب:

فلزات در اثر حرارت منبسط می‌شوند.

✓ صدق و یا کذب آنها بر اساس تجربه و آزمایش مشخص می‌شود.

پرسش هیوم

□ اگر یک فیلسوف دو کار ذکر شده را انجام نمی‌دهد، پس چه می‌کند؟!

□ کانت بر این عقیده بود که هر قدر هم کسی در مورد فلسفه شک داشته باشد، محققا قضایای بدون شک و شبهه‌ای در ریاضیات و علوم طبیعی وجود دارند، که نه تحلیلی هستند و نه تجربی و امکانی.

نقد اول: تأملی بسط یافته دربارهٔ یک پرسش واحد

❖ چگونه احکام ترکیبی پیشینی امکان پذیر هستند؟

✓ مسئله خاص عقل محض؛

ساختن یا تخریب متافیزیک به حل این مسئله وابسته است.

آیا تجربه به ما کلیت حقیقی را می‌دهد؟!

□ درست است که تجربه به ما می‌گوید چه چیزی وجود دارد، اما این به این معنا نیست که آن چیز باید ضرورتاً به همان شکل باشد و نه به شکلی دیگر.

➤ توماس دی هافمن (استاد علوم شناختی دانشگاه کالیفرنیا)

کانت:

اگرچه شناخت ما **کلا با تجربه آغاز می شود**، اما این بدان معنا نیست که شناخت ما **کلا از تجربه برآمده باشد**.

شناخت

■ پسینی: تجربی

■ پیشینی: قبل از تجربه

□ پژوهش در ساحت شناخت پیشینی که از جهان حسی فراتر می‌رود.

شناخت پیشینی

□ **ضرورت** و **کلیت اکید** شاخص‌های مطمئن یک شناخت پیشینی هستند.

✓ غیر تجربی

ضروری بودن

■ یعنی آن چیز نمی تواند به شکل دیگری باشد.

■ یعنی در هر جهان ممکن چنین است.

■ یعنی عکس آن مستلزم تناقض است.

کلیت اکید

■ عمومی بودن

■ یعنی چنانکه هیچ استثنایی به عنوان ممکن در آن مجاز نباشد.

مثالی درخشان: ریاضیات

تا چه حد با استفاده از **شناخت پیشینی** به طور مستقل از تجربه می‌توانیم پیش برویم.

شناخت تجربی (پسینی)

کلیت تجربی چیزی نیست جز ارتقای دلخواهی اعتبار آن چیزی که در بیشتر موارد معتبر است، به این تصور که گویی در همه موارد معتبر است.

✓ شناخت استقرایی

✓ کلیت نسبی یا فرضی

✓ «همه اجسام وزن دارند.»

شناخت تحلیلی پیشینی

- بخش بزرگی از کار عقل انسان:
تحلیل مفاهیمی که ما از پیش درباره ابژه‌ها داریم.
- ✓ توضیح همان چیزی که پیشاپیش در مفاهیم ما (گرچه به شیوه‌ای آشفته) به آن اندیشیده شده است.
- ✓ عدم گسترش مفاهیم ما از نظر ماده و محتوا
- ✓ صرفاً تمایز مفاهیم از طریق این شناخت

احکام تحلیلی

□ **محمول ب** چنان به موضوع الف تعلق دارد که در مفهوم الف (تلویحا) مندرج است.

✓ احکام تحلیلی به وسیلهٔ محمول، چیزی به موضوع اضافه نمی‌کنند؛ بلکه فقط آن را **به وسیلهٔ تحلیل** به مفاهیم تشکیل‌دهنده‌اش تجزیه می‌کنند که از پیش در همان مفهوم (گرچه به نحوی آشفته) تصور شده بودند.

نمونه‌های احکام تحلیلی

- هر متاهلی ازدواج کرده است.
- همه اجسام دارای امتداد هستند.
- هر مربع چهارضلع دارد.

احکام ترکیبی

□ **محمول ب** تماما خارج از مفهوم الف قرار دارد، گرچه با آن مرتبط است.

✓ احکام ترکیبی به مفهوم موضوع، محمولی اضافه می کنند که هرگز در مفهوم موضوع تصور نشده بود و توسط هیچ نوع تحلیلی از مفهوم موضوع قابل انتزاع نیست.

نمونه احکام ترکیبی

- همه اجسام وزن دارند.
- امروز دوشنبه است.

نتیجه

1. شناخت ما از طریق احکام تحلیلی **هرگز توسعه** **نمی‌یابد**، بلکه از طریق این احکام صرفاً مفهومی که از پیش داشته‌ایم بیان می‌شود و برایمان قابل فهم می‌گردد.
2. در احکام ترکیبی علاوه بر مفهوم موضوع، من باید **چیز دیگری (مانند X)** داشته باشم که فاهمه بر آن تکیه کند، تا محمولی را بشناسد که در مفهوم موضوع مندرج نشده است، اما به آن تعلق دارد.

نتیجه

1. شناخت ما از طریق احکام تحلیلی **هرگز توسعه** **نمی‌یابد**، بلکه از طریق این احکام صرفاً مفهومی که از پیش داشته‌ایم بیان می‌شود و برایمان قابل فهم می‌گردد.
2. در احکام ترکیبی علاوه بر مفهوم موضوع، من باید **چیز دیگری (مانند X)** داشته باشم که فاهمه بر آن تکیه کند، تا محمولی را بشناسد که در مفهوم موضوع مندرج نشده است، اما به آن تعلق دارد.



■ در احکام ترکیبی پسینی (تجربی): X تجربه است.

■ در احکام ترکیبی پیشینی؟

احكام ترکیبی پیشینی

« هر آنچه اتفاق می افتد، علتی دارد.»



شناخت ترکیبی پیشینی

□ عقل به مفاهیمی که به طور پیشینی داده شده‌اند، مفاهیم دیگری اضافه می‌کند که کاملاً نسبت به آنها بیگانه‌اند.

احکام ترکیبی پیشینی

□ قضایایی که دربارهٔ جهان صدق می‌کنند اما از مشاهدهٔ جهان حاصل نشده‌اند!

□ قضایی که صدق آنها تنها از طریق استدلال قابل اثبات است.

انواع احکام ترکیبی پیشینی از نظر کانت

1. تمام احکام ریاضی

✓ گزاره‌های ریاضی همواره احکام پیشینی هستند نه تجربی، چرا که گزاره‌های ریاضی **ضرورتی** دارند که از تجربه نمی‌تواند حاصل شود.

✓ استفاده از **شهود** (به واسطه تحلیل محض مفاهیم هرگز نخواهیم توانست حاصل جمع زیر را پیدا کنیم)

■ $5+7=12$

■ خط مستقیم، کوتاهترین فاصله بین دو نقطه است.

انواع احکام ترکیبی پیشینی از نظر کانت

۲. اصول علم طبیعی

- در همه تغییرات جهان مادی، کمیت ماده ثابت می ماند.
- در هر نوع انتقال حرکت، عمل و عکس العمل همواره با یکدیگر مساوی اند.

انواع احکام ترکیبی پیشینی از نظر کانت

۳. متافیزیک

■ هر آنچه اتفاق می‌افتد، **علتی** دارد.»

■ **جهان** باید **آغازی** داشته باشد.

شناخت مطلقا محض

□ شناخت **محض**: که با چیزی بیگانه با خود آمیخته نباشد.

□ شناخت **مطلقا محض**: که با آن اصلا هیچ تجربه یا ادراک حسی‌ای مخلوط نشود:

شناختی که فقط به طور **کاملا پیشینی** ممکن است.

عقل محض

عقل: قوه‌ای است که اصول شناخت پیشینی را فراهم آورد.

عقل محض: دربردارنده اصولی است که بتواند چیزی را **مطلقاً به نحو پیشینی** بشناسد.

نقد عقل محض

□ نقد عقل محض: علم ارزیابی محض (صرف)
عقل محض، و سرچشمه‌ها و مرزهای آن.

✓ ارزیابی صرف نه آموزه عقل محض!

✓ سلبی: نه گسترش و توسعه عقل بلکه تصفیه
عقل و محافظت از آن در برابر اشتباهات.

فلسفه استعلایی

شناخت استعلایی: شناختی که نه به ابژه‌ها، بلکه فقط به مفاهیم پیشینی ما از ابژه‌ها به طور عام می‌پردازد.

فلسفه استعلایی: شامل نظامی از مفاهیم پیشینی ما از ابژه‌هاست.

نقد استعلایی

آنچه در اینجا موضوع را تشکیل می‌دهد، طبیعت
اشیاء نیست بلکه **فاهمه** است که درباره طبیعت
اشیاء حکم صادر می‌کند، **تنها به شناخت پیشینی**
اشیا مربوط است و چون لازم نیست این شناخت را
خارج از خود جست و جو کنیم، نمی‌تواند از ما پنهان
بماند.